

در ادامه بحث رابطه اختلاف درآمدها و سطح تحصیلات، در مقاله زیر، ساندر و اسکوکو به ارائه نظریات خود در این مورد می‌پردازد. وی یک اقتصاددان سوئدی است که در گذشته مشاور اقتصادی تعدادی از وزرای سوسیال‌دمکرات در دوره‌های مختلف بوده است. اسکوکو در حال حاضر، اقتصاددان ارشد اندیشگاه «آرنا ایده» می‌باشد.

## نابرابری تقصیر فن‌آوری نو نیست

نوشته: ساندر و اسکوکو

برگردان: رضا جاسکی

تعداد کلمات: ۸۶۰

بحث در مورد اینکه چرا اختلاف درآمدها در طی سی سال گذشته افزایش یافته، همچنان بشدت خود باقی است. خیلی خلاصه می‌توان گفت نئولیبرال‌ها ترجیح می‌دهند که افزایش اختلاف درآمد را با دلایل غیر سیاسی توضیح دهند.

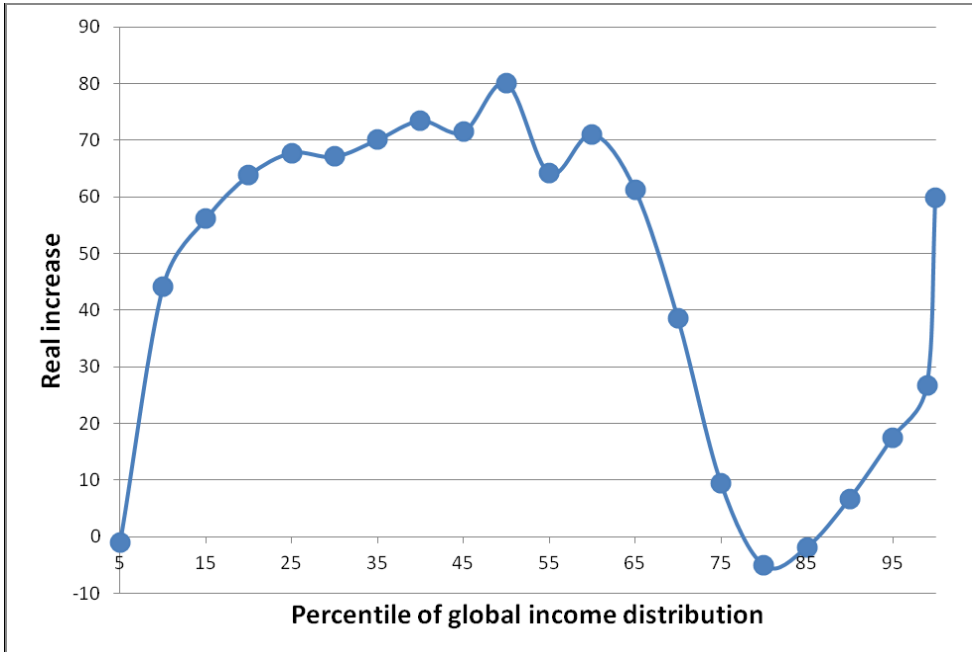
به گفته آنها، تحول درآمدها از جمله با تغییر فناوری مرتبط است که بخاطر آن، مهارت‌های ساده کمتر مورد تقاضا بوده و در نتیجه، درآمد (انها) سقوط کرده است. در حالی که تحصیل کرده‌ها جشن می‌گیرند، بیکاران کم مهارت از بیکاری و فقر رنج می‌برند.

برانکو میلانوویچ، پروفیسور اقتصاد، دسته‌های مختلف درآمدهای همه ساکنین جهان در طی سالهای ۱۹۹۸-۲۰۰۸ را ترکیب نموده است. معمولاً افراد بر اساس ملیت‌ها تقسیم می‌گردند، اما در اینجا فقط بر مبنای درآمد و بدون در نظر گرفتن محل زندگی تقسیم شده‌اند.

اگر ما کارگران جهان غرب - و طبقه متوسط پایین (که همچنان بطور نسبی در جهان، ثروتمند محسوب می‌شوند) را در نظر بگیریم، در طی بیست سال گذشته برای آن‌ها همان قدر بد پیش رفته است که برای فقیرترین ده درصد جهان غرب. کارگران غرب - و طبقه متوسط از هر دو طرفه بعد از دهه ۱۹۸۰ عقب مانده‌اند. هم ثروتمندترین‌های (جهان) و وهم طبقه متوسط چین، درآمد خود را بین شش تا

هشت برابر افزایش داده‌اند.

نمودار ۱: تغییر درآمد واقعی بین ۱۹۹۸ و ۲۰۰۸ در صدک‌های مختلف توزیع جهانی درآمد



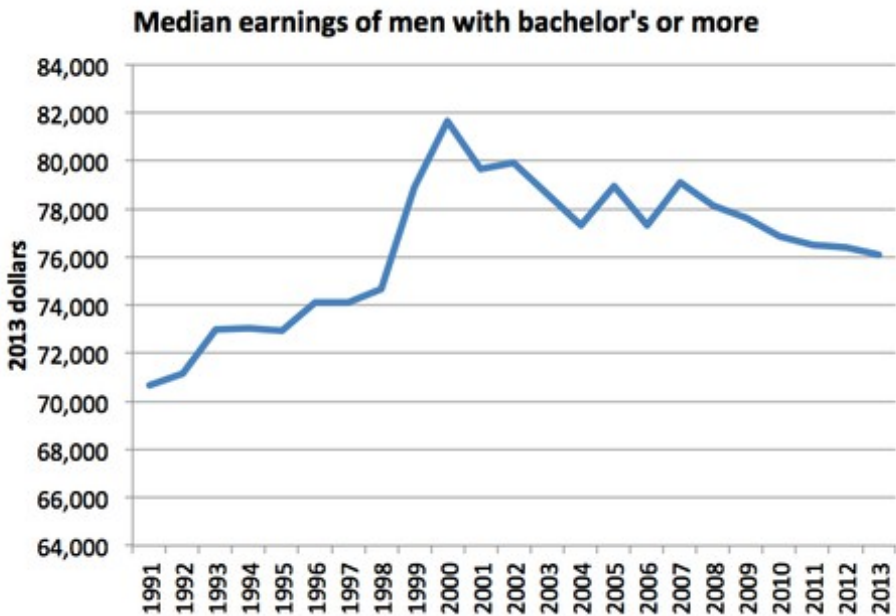
توضیح: محور عمودی درصد تغییر در درآمد واقعی، بر اساس قیمت ثابت بین‌المللی دلار را نشان می‌دهد. محور افقی موقعیت درصدی در توزیع درآمد جهانی را نشان می‌دهد. موقعیت درصدی (صدک) از ۵ تا ۹۵، با افزایش پنج تایی، را نشان داده شده است، در حالی که بالاترین ۵٪ به دو گروه تقسیم می‌گردد: بالاترین ۱٪ و آن‌هایی که بین صدک‌های ۹۵ و ۹۹ قرار دارند. توضیح مترجم: در نمودار بالا، طبقه متوسط چین بیشترین رشد، ۸۰٪ (تقریباً صدک پنجاه)، و بالاترین ۱٪، تقریباً ۶۰٪ رشد درآمد داشته‌اند.

آیا این تحول غم‌انگیز وابسته به پیشرفت فناوری است؟ این سؤال مهمی است، چرا که مبارزه با

پیشرفت اقتصادی هم احمقانه و هم ناامیدکننده است. اما اگر ما به این تحول به مثابه نتیجه سیاست نئولیبرالی-بازارهای مالی بدون محدودیت، سیاست‌های خصمانه ضد اتحادیه‌ای و کاهش‌های مالیاتی و انتقالی - بنگریم، هم امکان‌پذیر و هم بطور نسبی، تقریباً امیدوارکننده است که بر علیه چنین تحولی باشیم.

بسیاری، بر اساس فرضیه فناوری استدلال می‌کنند که راه حل مشکل، سرمایه‌گذاری هر چه بیشتر در آموزش و پرورش است. دلایل بسیار زیاد و خوبی برای سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش وجود دارند، اما این احتمالاً راه حل افزایش چشمگیر نابرابری درآمدها نیست. این بزرگترین ثروتمندان هستند که بقیه را پشت سر گذاشته‌اند و نه طبقه متوسط تحصیل کرده.

نمودار ۲: درآمد متوسط مردان با رتبه کارشناسی یا بالاتر



همان‌طور که پاول کروگمن، برنده جایزه نوبل اشاره می‌کند، فرضیه فناوری در واقع مبتنی بر این است که بطور نسبی وضع تحصیل کرده‌ها خوب است، اما درآمد آنان در طی پانزده سال گذشته کاهش داشته و یا دچار رکود گشته است.

یک نکته دیگر که در تضاد با فرضیه فناوری می‌باشد این است که در طی دوره ۱۹۴۵-۱۹۸۰ توسعه تکنولوژی، بر اساس اینکه هر کارگر چقدر می‌تواند تولید نماید، نسبت به دوره ۲۰۱۵-۱۹۸۰، بسیار سریع‌تر پیش رفت.

توسعه فناوری که اقتصاددانان اندازه می‌گیرند، در واقع دست در دست کاهش نابرابری درآمدها پیش رفته است. با توجه با آمار، این فرضیه می‌بایستی سرروته شود: فن‌آوری ضعیف منجر به افزایش نابرابری درآمد می‌گردد.

توضیح سیاسی، از این پارادوکس رنج نمی‌برد. هم طرفداران کینز و هم نئولیبرال‌ها در این مورد توافق داشتند که سیاستی که پس از دهه ۱۹۸۰ اجرا شده است به افزایش نابرابری منجر خواهد گشت. آنچه که آن‌ها را از هم جدا می‌کرد این بود که آیا چنین امری مطلوب بود یا نه.

درواقع می‌بایستی در این مورد صلح و توافق وجود می‌داشت، اما اکنون نئولیبرال‌های امروزین می‌خواهند توضیح آن را با چیزی غیرسیاسی عوض کنند. چرا؟ احتمالاً این کار ساده‌ای نیست که مطلوب بودن افزایش اختلاف درآمد را در شرایطی به فروش رساند که هم صندوق بین‌المللی پول و هم سازمان همکاری اقتصادی و توسعه هشدار می‌دهند که سطح اختلاف کنونی مغل رشد است.

بنابراین باید توضیح (پدیده نابرابری) هم باید غیرسیاسی بوده و هم اینکه سیاستمداران نتوانند کاری در مورد آن انجام دهند. اما آن‌ها بهتر است یک کاندید بهتر از فناوری برای توضیح این امر بیابند. اینکه این موضوع مربوط به قدرت و سیاست است هم انوقت و هم امروز محتمل‌تر است تا توسعه سریع فن‌آوری.

برگرفته از نشریه آرنا، شماره ۵، سال ۲۰۱۵

Sandro Scocco, Skyll inte klyftorna på ny teknik, Arena, 2015-3